



## بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

موضوع: ارث غرقى و مهدوم عليهم.

بحث قبلى يعنى اينكه زوج يا زوجه تنها وارث باشند تمام شد، اگر طبق ترتيب شرايع بخواهيم بحث را ادامه بدهيم به بحث ارث خنثى مى رسيم منتهى چون مبتلى به نيست به آن نمى پردازيم.

و اما بحث بعدى در مورد ارث غرقى و مهدوم عليهم مى باشد يعنى اينكه دو نفر يا بيشتر غرق شده باشند و ما ندانيم کدام يك اول فوت کرده و يا اينكه خانه اى بر سر افرادى خراب شده و فوت کرده اند و نمى دانيم کدام يك اول فوت کرده است، خلاصه بحث غرقى و مهدوم عليهم در روايات ما بيان شده است و البته مسئله بسيار وسيع مى باشد خصوصا امروزه با توجه به وسيله هاى حمل و نقل و مراكب مختلفى كه وجود دارد در حادثه هاى مختلف افرادى با هم كشته مى شوند خب ما بايد چگونگى تقسيم ارث آنها را بدانيم.

فهرست كتب:

جواهرالكلام جلد ۳۹ صفحه ۳۰۶ الى ۳۱۹ از جواهر ۴۳ جلدى، مفتاح الكرامة جلد ۲۴ صفحه ۷۵۶، رياض جلد ۱۴ صفحه ۴۶۳، خلاف شيخ طوسى جلد ۴ صفحه ۳۱، مستند الشيعة نراقى جلد ۱۹ صفحه ۴۵۲، مختلف الشيعة جلد ۹ مسئله ۴۱، اخبار مربوط به اين بحث نيز در وسائل الشيعة جلد ۱۷ صفحه ۵۸۹ از وسائل ۲۰ جلدى.

صاحب جواهر بحث را اينطور آغاز مى كند كه احراز حيات وارث حين مرگ مورث لازم است و إلا مال منتقل نمى شود كلام ايشان اين است: «وهؤلاء يرث بعضهم من بعض بلا خلاف أجده فيه ، بل الإجماع بقسميه عليه ، والنصوص به مستفيضة أو متواترة وبذلك يخرج عما يقتضي عدمه من قاعدة كون الشك في الشرط شكاً في المشروط ضرورة اشتراط إرث كل واحد منهما من الآخر بحياته بعد موت الآخر وهي غير معلومة ، بل ربما كان مقتضى الأصول تقارن موتهما ، ومن المعلوم سقوط الإرث معه ، وإن كان التحقيق نفيه بالأصل أيضاً ، إذ هو من الحادث المسبوق بالعدم الذي إذا لوحظ اقتضى التعاقب ، كما أنه إذا لوحظ ما يقتضي عدم تأخر أحدهما عن الآخر اقتضى الاقتران الذي هو لازم المنفي بالأصل.

واحتمال جريان التوارث بينهما على قاعدة العمل بالأصلين مع إمكانه ولو لمكلفين - نحو واجدى المنى في الثوب المشترك ، ونحو التمسك بهما في كل من الإناءين لمكلفين على القول به ، ونحو الحكم بطهارة الماء ونجاسة الصيد فيه وغير ذلك - يدفعه وضوح كون المقام من غير ذلك كله بعد تسليم الحكم في المقيس عليه.»<sup>۱</sup>

در رسائل و در بحث علم اجمالى اين بحث مطرح شده و شيخ مثالهاى زدند كه صاحب جواهر يكي از آنها يعنى واجدى المنى فى ثوب المشترك را بيان كرد و اما مثال ديگرى كه در رسائل ذكر شده حكم به طهارت ماء و نجاست صيد مى باشد، فرض كنيد يك چاله اى

<sup>۱</sup> جواهرالكلام، شيخ محمد حسن نجفى جواهرى، ج ۳۹، ص ۳۰۶، ط ۴۳ جلدى.

الحي من وراثته حال موته، وكذا الحال في موت  
الأكثر من اثنين.<sup>۲</sup>

بقیه بحث بماند برای روز شنبه إن شاء الله تعالی... .

والحمد لله رب العالمين و صلى الله على  
محمد و آله الطاهرين

بوده که در آن مقداری آب البته کمتر از گُر بوده و از  
طرفی صیادی یک صیدی را تعقیب کرده و آن صید  
داخل آن چاله افتاده و مُرده و حالا شک داریم که آیا  
مرده بوده و بعد به آب افتاده بوده یا اینکه حیات  
داشته و داخل چاله افتاده و بعد مرده، در اینجا از  
طرفی استصحاب بقاء حیات صید را می کنیم و از  
طرفی استصحاب طهارت ماء داخل چاله را که خب  
در اینجا این دو استصحاب از افراد مختلفی می باشند  
و اما مثال دیگر اینکه دو کاسه آب در یک بیابانی  
است و دو نفر بعد از وضو با آنها علم اجمالی پیدا  
کردند که یکی از آنها نجس بوده منتهی چون با هم  
کاری ندارند هر کدام حکم تکلیفی خودش یعنی  
استصحاب طهارت را جاری می کند، علی ای حال  
صاحب جواهر می فرماید ما نحن فيه اینطور نیست و  
وارث و مورث حکمشان جدای از هم نیست یعنی در  
موقع موت مورث شرط است که وارث حیاط داشته  
باشد و ما این مسئله را در جاهائی مثل غرقى یا مهدوم  
علیهم نمی توانیم احراز کنیم یعنی نمی دانیم کدام یک  
زودتر فوت کرده لذا ما از نظر اصول نمی توانیم بحث را  
حل کنیم پس باید به سراغ روایات و همچنین اجماع برویم  
و بینیم که اهل بیت علیهم السلام چه فرموده اند.

برای اینکه صور مختلف مسئله غرقى و مهدوم علیهم  
معلوم شود مقداری از کلام امام رضوان الله علیه در  
تحریرالوسیلة را می خوانیم، ایشان اینطور فرمودند:»  
الفصل الثاني: في ميراث الغرقى و المهدوم علیهم.

مسألة ۱ : لو مات اثنان بينهما توارث في آن واحد؛  
بحیث یعلم تقارن موتهما، فلا یکون بينهما توارث؛  
سواء ماتا أو مات أحدهما حتف أنف أو بسبب، كان  
السبب واحداً أو لكل سبب، فیرث من کلّ منهما

<sup>۲</sup> تحریرالوسیلة، امام خمینی (ره)، ج ۲، ص ۴۲۹، مسئله ۱، ط نشر آثار.